

دعبل و محتشم؛ سرامد مرثیه سرایان

سعیده اژدر فایقی

گفته اند که مرثیه سرایی در جهان، همزاد مرگ اولین انسان بوده است. پس به این اعتبار می توانیم آدم ابوالبشر را اولین شاعر جهان بدانیم که در سوگ فرزندش «هابیل» مرثیه ای سروده است و از آن پس، سرایش اشعاری سوزناک و دردآلود در فقدان عزیزان در بین انسانها متداول شده است.

واقعۀ عظیم و فاجعه آمیز عاشورا در سال ۶۱ هجری، از جمله رخدادهای شگفت انگیز و غمباری است که از همان آغاز، عاطفه انسانی را جریحه دار کرد و از آن پس تاکنون، هزاران شاعر از نژادهای مختلف و با زبان های گوناگون، مرثیه هایی در توصیف این واقعه بزرگ و درس آموز سروده اند که از آن میان، مرثیه های شاعر شهیر عرب «دعبل خزاعی» متولد ۱۹۶ هجری و نیز سوگ سروده های محتشم کاشانی شاعر ایرانی قرن دهم هجری، سرآمد این گونه اشعارند.

در اثری که پیش رو دارید، نویسنده با بررسی و پژوهش مقایسه ای، مرثیه های این دو شاعر بزرگ مرثیه گوی را از جنبه های مختلف ادبی و ایمانی معرفی و ویژگی های هر یک را برشمرده است.

بزرگ عرب و عجم، سعی در شناساندن حب و دوستی اهل بیت علیهم السلام در میان دو طیف مختلف از مرثیه سرایان نام آور تاریخ اسلام با تمام اختلافات زمانی، زبانی و فرهنگی دارد. حقانیت قیام و نهضت امام حسین (ع) تمامی مرزها را شکافته و بر زبان ها و زمان ها جاری گشته است. در این تحقیق ادبی- تاریخی با آوردن اشعار سوزناک و غمگانه از هر دو شاعر محب اهل بیت عصمت و طهارت در نهایت ایجاز، به معرفی و تبیین سبک و سیاق ادبی و عمق بصیرت و ژرفای عشق و دلدادگی آنها پرداخته شده است.

مرثیه

مرثیه در لغت، گریستن بر مرده و ذکر محامد وی و تأسف از درگذشت او را می گویند. و در اصطلاح ادب «رثاء» یا «مرثیه» بر اشعاری اطلاق می گردد که در ماتم گذشتگان و تعزیت یاران و بازماندگان و ذکر مناقب وی سروده شود.

(دهخدا- ۱ ذیل مرثیه)

از آن جا که سرودن شعر، رابطه مستقیمی با قوه عاطفه انسان دارد و به دلیل حس و حالی که در سوگ عزیزان بر آدم مستولی می شود، باید مرثیه را، یکی از بزرگترین مضمون ها برای شعر دانست. «مرثیه در لغت هم از ماده رثا- یرثو به معنای گریستن بر مرده است»

(شرطونی، ۱۹۹۲ م؛ ج ۲، ص ۷۴)

بنابر روایاتی نخستین شاعر، آدم (ع) بوده است و اولین مضمون رثاء، که مرثیه هابیل کرده است^(۱)

«از رویدادهای مهم تاریخی در جهان عرب، حادثه

مراثی که در سوگ بزرگان مذهبی و ائمه معصومین علیهم السلام در طی قرون و اعصار سروده شده است اغلب نشأت گرفته از بنیان و شاکله استوار و وثیق معنوی و ایمانی مرثیه سرایان نامدار و برجسته تاریخ اسلام و تشیع بوده است. همدلی و ارادت کامل این طیف از شاعران نسبت به انبیاء و اولیاء الهی، مراثی را از جایگاه و وزانت ویژه ای برخوردار ساخته است. این مراثی از سوزناکترین و مهیج ترین اشعار تلقی و در تأثیرگذاری بر روح و روان و عمق وجود هر شنونده صاحب دلی بی بدیل قلمداد می شود.

یکی از درخشانترین چهره های فرهنگی و ادبی جهان تشیع، دعبل بن علی الخزاعی است که با عقیده و ایمان به حق و دوستداری خالصانه و بی شائبه آل البیت علیهم السلام به قول خودش، چوبه دار را پنجاه سال بر دوش کشید، تا این که به دست ظالمان غدار به رفیق اعلی متصل گردید. او با سرودن تائیه مشهور خود توانست زبان عرب را حربه ای علیه دشمنان حق قرار داده و به یکی از بزرگترین مرثیه سرایان در سوگ ابا عبدالله الحسین (ع) تبدیل گردد.

بدیهی است واقعه عظیم عاشورا در بین شاعران و ادیبان ایرانی در ادوار مختلف از مقام و مرتبه والایی برخوردار بوده است؛ اوج این تأثیرگذاری در اشعار محتشم کاشانی و شعر بلند عاشورایی او، تجلی بی بدیل پیدا کرده و با گذشت قرون متمادی، هنوز بوی جاودانگی و طراوت و تازگی از آن استشمام می گردد.

این مقاله با بررسی و پژوهش مقایسه ای دو مرثیه سرای

واقعۀ عظیم عاشورا در بین شاعران و ادیبان ایرانی در ادوار مختلف از مقام و مرتبه والایی برخوردار بوده است؛ اوج این تأثیرگذاری در اشعار محتشم کاشانی و شعر بلند عاشورایی او، تجلی بی بدیل پیدا کرده و با گذشت قرون متمادی، هنوز بوی جاودانگی و طراوت و تازگی از آن استشمام می گردد.

مرثیه سرایی در ادب فارسی

درباره مرثیه سرایی در ادبیات پیش از اسلام، اطلاع چندانی در دست نیست اما با توجه به فرایندی، اولین مرثیه ایران باستان، «رثای مرزکو» است. نوحه سرایی در مرگ سیاوش را نیز چند مأخذ ذکر کرده‌اند.

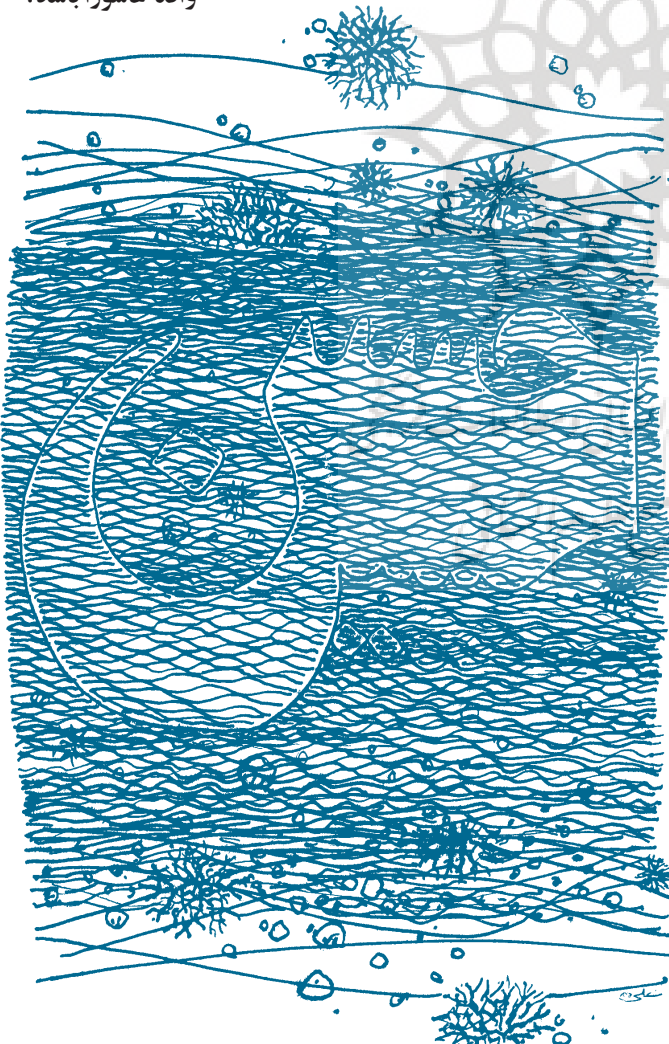
در دوره اسلامی، قدیمی‌ترین مرثیه شعر «ابوالبنی» درباره ویرانی سمرقند است. اما مؤلف تاریخ سیستان، قدیمی‌ترین مرثیه را به محمد بن وصیف سیستانی شاعر دربار صفاریان نسبت می‌دهد^(۲) که در زوال دولت صفاریان سروده شده است.

با توجه به سابقه مرثیه در ایران، آن را به چهار دسته طبقه بندی می‌کنند:

۱- مرثی در مرگ مشاهیر ۲- مرثی وطنی ۳- مرثی در سوگ عزیزان ۴- مرثی مذهبی

«مرثی مذهبی در ایران عموماً در سوگ حسین^(ع) سروده شده است. در ادبیات فارسی، شعله‌های تابناک مرثیه در قرون ۶ تا ۸ است. اما اوج مرثیه در دوره صفویه است که بزرگترین

بی‌گمان، مرثیه سرایی در باب عاشورا با زبان عربی آغاز شده است و به علت همزادی و همراهی عرب با شعر، آغاز سرایش نباید با فاصله چندانی پس از واقعه عاشورا باشد.



شهادت امام حسین^(ع) در کربلاست. حادثه مزبور، گرچه در محیطی عربی اتفاق افتاده و قهرمان آن، شخصیت‌های عربی هستند، ولی احساسات و عواطف دیگر ملل، چون ایرانیان و ترکان را برانگیخته و بسیاری از شاعران ایرانی و ترکی را واداشته که در بزرگداشت امام حسین^(ع) و ۷۲ تن از شهدای کربلا و نیز محکوم کردن امویان قاتل، اشعاری به سرایند

(ندا، ۱۳۸۷، ص ۲۱۹)

«موضوع این واقعه از جهت پیدایش و جزئیات، تکان دهنده و تحریک کننده است و برای هر کس که می‌خواهد آن را به نظم کشیده یا به نثر بنویسد، یا داستان‌های عاطفی اثربخش درباره آن تألیف کند، بسیار گیرا و جذاب است»

(همان، ۱۳۸۷، ص ۲۲۰)

مرثیه سرایی در ادب عربی

«رثاء در شعر عرب، رواج بسیار داشته است و ظاهراً اعراب به رثاء و مفاخره، بیش از انواع دیگر دل‌بسته بودند»

(شمیسا، ۱۳۸۳، ص ۲۳۶)

برخی صاحب‌نظران مرثیه را در عربی، مقدم بر ادبیات پیش از اسلام دانسته‌اند. منشأ رثاء در ادب عربی را باید در روابط قبایل و منازعات آنها جست‌وجو کرد. ابن رشیق قیروانی در «العده»، پیرامون شعرای جاهلی در سرودن شعر رثایی چنین می‌گوید: «مثال‌ها در فنا و نابودی ملوک عظام می‌زدند، از نابودی ممالک فراوان و امت‌های قدرتمند سخن می‌گفتند، از هلاکت بزهای کوهی پناه گرفته در دل کوه‌ها، از هلاکت شیران کمین گرفته در بیشه‌زارها و گورخرهای وحشی در دشت‌ها، کرکس‌ها و عقاب‌ها و مارهای خشن و طولانی عمر سخن می‌راندند»

(العده، ص ۷۴)

پس بی‌گمان، مرثیه سرایی در باب عاشورا با زبان عربی آغاز شده است و به علت همزادی و همراهی عرب با شعر، آغاز سرایش نباید با فاصله چندانی پس از واقعه عاشورا باشد. «چه پس از این واقعه تاریخی نخستین مرثی مذهبی در مصیبت حضرت حسین^(ع) پدید آمد».

(افسری کرمانی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۲)

بسط بن جوزی می‌گوید: «نخستین شاعری که در رثای امام حسین^(ع) اشعاری سروده است، عقبه بن عمر السهمی بوده است.»^(۳) این قطعه از لطیف‌ترین و سلیس‌ترین شعرهایی است که در مرثی حسین بن علی^(ع) انشاد شده است:

إذا العین قوت فی الحیات و انتم

تخافون فی الدنیا فاطلم نورها

اگر دیدگان ما بخواهند روشن و خشنود باشند و شما در این دنیا، دل‌تنگ و هراسان باشید، آن دیدگان کور باد.

(همان، ۱۳۷۱، ص ۱۰۵)

اما بزرگترین مرثیه سرایی ادب عربی را باید دعبل بن علی الخزاعی دانست که مرثی بسیار در مصیبت حضرت حسین^(ع) سروده است.



محتشم در اصل، قصیده سرایی مداح بود که مدح شاه طهماسب صفوی و پسران او را می کرد. ولی سپس به ملاحظه تمایل دینی و احساسات تشیع در دربار صفوی به حکم معتقدات خودش موضوع تازه ای پیش آورد، یعنی اشعاری مبتنی بر تذکر مصایب اهل بیت علیهم السلام سرود و در این سبک، شهرت یافت و اشعارش معروف گشت.

شاعر مرثیه سرای این دوره محتشم کاشانی، شاعر دربار شاه طهماسب صفوی است»

(کافی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰)

«مرثیه در ادبیات فارسی غالباً منظوم است و ممکن است به هر قالبی باشد. قصیده، قطعه، ترجیع بند، ترکیب بند و گاهی غزل، رباعی و مثنوی.»

(شمیسا، ۱۳۸۳، ص ۲۳۶)

که می توان به ترکیب بند مؤثر، زیبا و به یاد ماندنی محتشم کاشانی در عزای خامس آل عبا^(۴) اشاره کرد که نه در محرم هر سال، بلکه در تمامی روزهای سال بر لب (اندیشه و دل) جاری و ساری می شود. «مرائی مذهبی را در ادبیات فارسی، جدیدترین نوع مرثیه سرایی دانسته اند.»

(مؤتمن، ۱۳۷۰، ص ۶۰)

محتشم کاشانی

خداوندگار شعر عاشورایی، شمس الشعراء، محتشم کاشانی در ۹۰۵ در کاشان متولد شد و در سال ۹۹۶ در زادگاه خود از دنیا رفت.

محتشم در اصل، قصیده سرایی مداح بود که به ملاحظه تمایل دینی و احساسات تشیع در دربار صفوی به حکم معتقدات خودش موضوع تازه ای پیش آورد، یعنی اشعاری مبتنی بر تذکر مصایب اهل بیت علیهم السلام سرود و در این سبک، شهرت یافت و اشعارش معروف گشت.

شیخ عباس قمی، صاحب کتاب های مشهور مفاتیح الجنان، منتهی الآمال درباره محتشم گفته است: «... محتشم شاعر، صاحب مرائی معروفه که در جمیع تکایا و مجالس ماتم ابا عبدالله الحسین^(۴) بر در و دیوار آن نصب شده است و گویا که از حزن و اندوه آن اشعار نگاشته شده، یا از خاک کربلا سرشته شده است. این اشعار مثل مصیبت حضرت ابا عبدالله^(۴) بر هیچ وجه مندرس نمی شود. و این کشف می کند از عظمت بزرگی مرتبت و کثرت معرفت محتشم.»

بدین ترتیب، شهرت عمده او، در ساختن شعر مذهبی است و در علت اشتغال او، بدین گونه اشعار نوشته اند که روزی قصیده ای در مدح شاه طهماسب صفوی و شاهزاده پری خان خانم فرستاد ولی شاه پس از شنیدن آن؛ «فرمودند که من راضی نیستم که شعرا زبان به مدح و ثنای من آلاینند. قصائد در شان شاه ولایت پناه و ائمه معصومین علیهم السلام بگویند، صله اول از ارواح مقدسه حضرات و بعد از آن، از ما توقع نمایند...»

(افسری کرمانی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۲)

محتشم اشعاری در قالب قصیده، مثنوی و ترکیب بند دارد که دوازده بند آن در مرثیه شهدای کربلاست که در ادبیات بعد از صفوی بی نظیر است.^(۴) طوری که بسیاری از شاعران، مثل صبا کاشانی و وصال شیرازی به تقلید آن اهتمام کرده اند اما موفق نشده اند:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین
بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است
این صبح تیره بازدمید از کجا، کزو
کار جهان و خلق جهان جمله درهم است
گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب
کاشوب در تمامی ذرات عالم است
گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست
این رستخیز عام که نامش محرم است
در بازگاه قدس که جای ملال نیست
سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است
جن و ملک بر آدمیان نوحه می کنند
گویا عزای اشرف اولاد آدم است
خورشید آسمان و زمین نور مشرقین
پرورده ی کنار رسول خدا حسین

(دیوان محتشم کاشانی، ۱۳۷۹، ص ۵۳۳)

«در باب این دوازده بند، مرحوم مدرس تبریزی از بعضی از اهل تتبع نقل می کند که محتشم پس از وفات برادرش عبدالغنی، مرائی بسیاری درباره او می گفت، تا شبی در عالم رویا به خدمت حضرت امیرالمومنین^(۴) رسید و امام بدو فرمود: چرا در مصیبت برادرت مرثیه گفته ای و برای فرزندم حسین^(۴) مرثیه نمی گویی؟ عرض کرد: یا امیرالمومنین! مصیبت حسین^(۴) خارج از حد و حصر است و لذا آغاز سخن را پیدا نمی کنم. فرمودند: بگو: باز این چه شورش است که در خلق آدم است. باری، مرثیه سروده شد و از همان روزهای آغازین، از آن استقبال شد، تا آن جا که صاحب «نتایج الافکار» می نویسد: اگرچه اکثر عالی طبعان به فکر مرثیه حضرت امام حسین^(۴) پرداختند، اما این مرثیه، شان و شرف و مقبولیتی بالاتر دارد.»

(فرهنگ عاشورا، ۱۳۸۴، ص ۳۶۶)

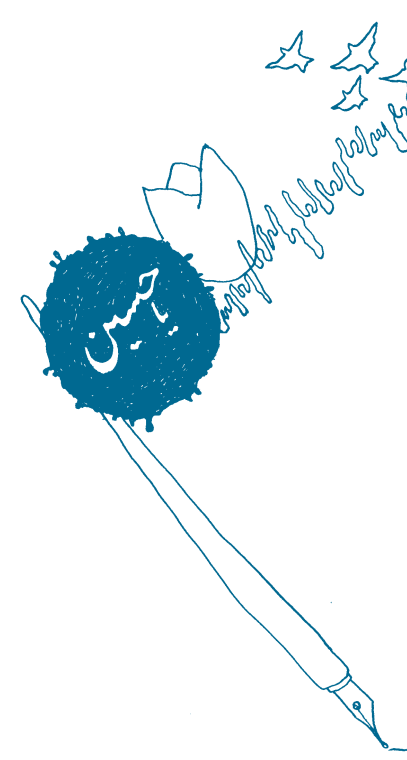
دعبل بن علی الخزاعی

ابوعلی دعبل بن علی بن رزین خزاعی کوفی، سراینده قصیده معروف «مدارس آیات» در سوگ مظلومیت امامان شیعه است. وی که از مرثیه سرایان بزرگ عاشورا به حساب می آمد، بیشتر در بغداد زیست. شعرهایش بیشتر در نکوهش خلفای جور و حمایت از اهل بیت علیهم السلام بود. ولادت این چهره نابغه شعر شیعی که از شیفتگان جان باخته راه ائمه و ولایت بود، سال ۱۴۸ و شهادتش به دسیسه حاکم دمشق، در ۹۸ سالگی در ۲۴۶ هجری بود. قبرش در «زویله» نزدیک مرز سودان است.^(۵)

«سه خصوصیت بارز، دعبل را در عصر خویش و حتی در اوایل جوانی، انگشت نمای علاقه مندان به شعر و شاعری کرد: قریحه سرشار، تشیع و هجو.»

(گوهری، ۱۳۶۸، ص ۷۵)

دعبل مردی انتقام جو و هجوگری بود^(۶)، هیچ چیز او را خشنود نمی ساخت و به ستایش و انمی داشت. از این رو، هرگز از انتقاد و عیب جویی خسته نمی شد. در تمام طول حیات



و اجريت دمع العين في الوجنات
 افاطم قومی یا بنته الخیر و اندبی
 نجوم سماوات بارض فلات
 قبور بکوفان و آخری بطیبه
 و آخری بفتح نالها صلواتی
 قبور ببطن النهر من جنب کربلا
 معرסהا منها بشط فرات
 توفوا عطاشاً بالعاء فلیتتی
 توفیت فیهم قتل حسین وفاتی
 سابکیهم ما ذرفی الارض شارق
 و نادى مناد الخیر للصوات
 قتیلاً بالاجرم فجیعاً بیفقهه
 فریداً ینادی این این حماتی»

(گوهری، ۱۳۶۸، ص ۱۴۸)

«- ای فاطمه، اگر در خیال خویش، حسین را فرو افتاده و در کنار شط فرات، لب تشنه، جان سپرده بینی.
 - در این هنگام با دست خود بر چهره خویش سیلی همی زنی و اشک غم بر گونه خویش همی فرو غلطتانی.
 - فاطمه، ای دختر منبع خیرات، برخیز و گریه کن، آن ستارگان روشن را که بر بیابانها فرو غلتیده اند.
 - بر آن قبرها که در «کوفه» و «مدینه» و «فخ» بنا شده اند، بنال.
 - بر آن قبرها که در دل نهر در کنار کربلا بر شط فرات آرامگاه شده اند، گریه کن.
 - با کام تشنه، جان سپردند و کاش که من با آنان پیش از روز مرگ خود، جان سپرده بودم.
 - تا در خشندهای بر زمین می درخشد و مؤذن بانگ نماز بر می دارد، بر آنان می گریم.
 - آن کس که بی گناه به قتل رسید و فقدانش دردناک است، آن کس که تنها بود و همی فریاد بر می آورد که حامیان من کجایند؟»

(افسری کرمانی، ۱۳۷۱، صص ۱۰۷-۱۰۶)

محتشم و دعبل با این که از لحاظ زمانی و مکانی با هم فاصله دارند اما در مقایسه مرثیه‌های این دو شاعر به موارد مشابهی برخورد می‌کنیم از جمله:

۱- تولی و تبری

رکن و مینا و هسته اصلی سروده‌های شاعران مرثیه سرا، دو صفت آرمانی و مکتبی، تولی و تبری است. جهت گیری شعر حزن انگیز، همان نیل به مرتبه‌ای از محبت و دلدادگی به ائمه و اهل بیت علیهم السلام است. دعبل همه هنر و توانمندی‌اش را در این زمینه بکار می‌گیرد تا نردبانی درست کند برای این که بتواند به قرب و رضایت دوستان خدا برسد:

«فکیف؟ و من انی یطالب زلفه
 الی الله بعد الصوم و الصلوات

خود چون به دنبال انسان واقعی می‌گشت از افراد معمولی بشر بیزار بود، چنان که می‌گفت:
 انی لافتح عینی حین افتحها
 علی کثیر و لکن لاری احدا
 «وقتی دیدگانم را می‌گشایم، افراد بسیاری را می‌بینم، ولی انسانی نمی‌بینم.»

او، نه تنها شیعه‌ای مؤمن و معتقد است بلکه برای ترویج اصول عقاید این مذهب تا پای جان هم می‌ایستد و در این راه، از هیچ چیز و هیچ کس هم هراسی به خود راه نمی‌دهد. در این که او، ادیبی بارع بوده است جای هیچ شکی نیست. «از جاحظ نقل کرده‌اند که گفت: از دعبل شنیدم که گفت: در طول شصت سال گذشته بر من روزی نگذشت که در آن شعری نگفتم.»

(الغانی، ج ۱۸، ص ۴۴)

و این دلیلی واضح بر ممارست و پشتکار اوست. دعبل مرثیه بسیار در مصیبت حضرت حسین (ع) انشاد کرده است اما قصیده تائیه (۷) او، از مهمترین اشعار او در این زمینه به حساب می‌آید. زمان و مکان سرایش این شعر و حکایت‌هایی که درباره تائیه نقل می‌کنند همگی حکایت از عظمت و اهمیت این مرثیه دارد. «دعبل در حقیقت سرودن این شعر را به هدف انشاد در محضر امام شیعیان به پایان برد و به همین سبب، چون از کار فراغت یافت فوراً راه خراسان پیش گرفت تا سروده‌هایش را برایشان بخواند. او با این بیت آغاز کرد:
 مدارس آیات خلت من تلاوة
 و منزل وحی مغفر العرصات
 «جایگاههای تلاوت آیات قرآن رامی‌یابم که دیگر خالی است و منزل‌های وحی را می‌بینیم که هواداری ندارد»
 و به این بیت رسید که:
 اذا و تروا مدوا الی و اتربهم
 أكفا عن الأوتار منقبضات

در این جا، امام چنان گریستند که حالت اغما برایشان پدید آمد. دعبل به اشارت خادم از خواندن باز ایستاد و چون دعبل دوباره به همان قطعه رسید، بار دیگر، حال امام متغیر و دگرگون شد و چون امام بهبودی حاصل می‌کنند، دوباره امر به بازخوانی می‌کنند و این بار بود که دعبل توانست همه ابیات را انشاد کند. امام با تحسین و اعجاب فراوان از او تشکر کردند و دستور دادند تا هزار درهم از درهم‌هایی که به نام ایشان ضرب شده بود و تا آن روز توزیع نشده بود را به دعبل بپردازند.»

(گوهری، ۱۳۶۸، صص ۱۴۳-۱۴۲)

ابیات ذیل از قصیده تائیه اوست:
 «افاطم لو خلت الحسین مجرلاً
 و قد مات عطشاً بشط فرات
 اذا للطمع الخد فاطم عنده

مرآئی مذهبی در ایران
 عموماً در سوگ حسین (ع)
 سروده شده است. در
 ادبیات فارسی، شعله‌های
 تابناک مرثیه در قرون ۶
 تا ۸ است. اما اوج مرثیه
 در دوره صفویه است که
 بزرگترین شاعر مرثیه
 سرای این دوره محتشم
 کاشانی، شاعر معاصر شاه
 طهماسب صفوی است.

سوی حب أبناء النبی ورهطه
و بغض بنی الزرقاء و العبلات
و هند و ما أدت سمیه و ابنها
اولو الکفر فی الاسلام و الفجرات»

(گوهری، ۱۳۶۸، ص ۷۹)

«- چگونه و به چه وسیله‌ای (جز توسل به اهل بیت) بعد از نماز و روزه، طالب نزدیکی به خدایی؟

- به جز با محبت خاندان پیامبر و یارانش و دشمنی با مروانیان و امویان

- درحالی که هند و سمیه و فرزندان ریشه کفرند و در اسلام فساد کرده‌اند.»

و این حقیقت در شعر حزن‌انگیز و عاشورایی محتشم به نحو اکمل و احسن ظهور عینی یافته است:

«مسلمانان خروش از جان بر آرید
محبان از جگر افغان بر آرید
درین ماتم به سوز و درد باشید
به اشک سرخ و رنگ زرد باشید
بسان غنچه دل‌ها چاک سازید
چو نرگس دیده‌ها غمناک سازید
ز خون دیده در جیحون نشینید
چو شاخ ارغوان در خون نشینید
به ماتم بیخ عیش از جان بر آرید
به زاری تخم غم در دل بکارید
که در دل این زمان تخم ملامت
بر شادی دهد روز قیامت
خداوندا به حق آل حیدر
به حق عترت پاک پیمبر
که سوی محتشم چشمی عطا کن
شفیعی را شهید کربلا کن»

(دیوان محتشم کاشانی، ۱۳۷۹، صص ۵۰۸-۵۰۹)

۲- افشاکری جنایات و مدافع حریم اهل بیت (اشاره به ظالمین)

محتشم در شعر سوزناک خود، از جنایات زشت کاران اهریمن صفت پرده برداشته و آنها را افشا می‌کند.

«ای چرخ غافل که چه بیداد کرده‌ای
وز کین چها درین ستم‌آباد کرده‌ای
بر طعنت این بس است که با عترت رسول
بیداد کرده خصم و تو امداد کرده‌ای
ای زاده‌ی زیاد نکرد دست هیچ‌گه
نمرود این عمل که تو شداد کرده‌ای
کام یزید داده‌ای از کشتن حسین
بنگر که را به قتل که دلشاد کرده‌ای
با دشمنان دین نتوان کرد آنچه تو
با مصطفی و حیدر و اولاد کرده‌ای
حلقی که سوده لعل لب خود نبی بر آن
آزده‌اش به خنجر بیداد کرده‌ای

ترسم تو را دمی که به محشر بر آورند
از آتش تو دود به محشر در آورند»

(همان، ۱۳۷۹، صص ۵۳۸-۵۳۷)

این رویه در شعر دعبل نیز، جاری و ساری است:
«یخبرن بالأنفاس من شر أنفس
اساری هوی ماض و آخر آت»

(گوهری، ۱۳۶۸، ص ۱۴۵)

۳- ذکر مصیبت و رئای حسین (ع)

دعبل از جمله شاعرانی است که با فصاحت و بلاغت خود به شعر بکاء، پایه‌ای قویم و بنیادی رکین می‌بخشد. شاعر، همه هنر خود را وقف توصیف غم و اندوهی می‌کند که شهادت جانخراش امام مسیب آن است. کلمات وی، لحظه به لحظه کربلا را به یاد می‌آورد و غمی سنگین را بر روح دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام به جای می‌گذارد در عزای سیدالشهداء حسین بن علی (ع) می‌سراید:

«أ سببت دمع العین بالعبرات
و بت تقاسی شدة الزفرات
و تیکی علی آثار آل محمد
و قد ضاق منک الصدر بالحسرات
ألا فأبکهم حقا و اجر علیهم
و عیونا لریب الدهر منسکبات
و لا تنس فی یوم الطفوف مصابهم
بداهیه من أعظم النکبات
سقی الله أجدانا علی طف کربلا
مرابع أمطار من المزنات
و صلی علی روح الحسین و جسمه
طریحا لذی النهیرین بالفلوات
أ أنسی و هذا النهیر یطفح ظامنا
قتیلا و مظلوما بغیر ترات
فقل لابن سعد - ابعده الله سعده -
ستلقى عذاب النار واللعات
ساقنت طول الدهر ماهیت الصبا
واقنت بالاصال و الغدوات
علی معشر ضلوا جمیعا و ضیعوا
مقال رسول الله بالشبهات»

(گوهری، ۱۳۶۸، صص ۱۴۱-۱۴۰)

«- ای اشک! از دیده فروریختی و از شدت آه ناله به جان آمدی؟
- آیا دل تنگ و حسرت کش بر آثار آل محمد گریستی؟
- بلی! برای ایشان - حقیقتا - گریه کن و چشمانت را در غمشان اشکیار ساز.

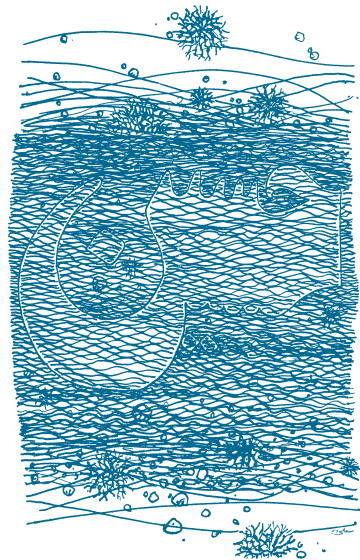
- روز عاشورا را به یاد آور، و آن مصیبت بزرگی را که برای اسلام از بدترین نکبت‌ها بود.

- خدای، بدن‌های افتاده در زمین کربلا را با بارش ابرها سیراب گرداناد.

- و بر جسم و روح حسین درود فرستاد که در میان دو نهر تشنه جان داده است.



شاعر، همه هنر خود را وقف توصیف غم و اندوهی می‌کند که شهادت جانخراش امام علی آن است. کلمات وی، لحظه به لحظه کربلا را به یاد می‌آورد و غمی سنگین را بر روح دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام به جای می‌گذارد.



بی‌نوشت‌ها:

۱- «در مورد حضرت آدم (ع) می‌توان به این نکته اشاره کرد که پس از پذیرفته شدن توبه‌اش، وقتی در اطراف زمین سیر می‌کرد به سرزمین کربلا رسید، پایش به چیزی خورد، سپس بر زمین افتاد و خون از پایش جاری شد. آنگاه سر به آسمان بلند کرد و گفت: خداوند! آیا گناهی از من سرزد که این گونه مرا معاقب فرمودی؟ وحی رسید: نه، ولیکن فرزندت حسین (ع)، در این مکان کشته می‌شود، پس خون تو موافق خون او جاری شد، عرض کرد: چه کسی قاتل اوست؟ وحی آمد که بیزید ملعون، پس او را لعن کن. پس از آن که آدم او را لعن کرد به سوی جبل عرفات روانه شد.» (ر.ک: فرهنگ عاشورا- ص ۶)

۲- با تفحص در باب نخستین شاعر عاشورایی، علاوه بر «عقبه بن عمرالسهمی»، به نام‌هایی نظیر سوده همدانی، امام شافعی، ابوهب قرشی، سلیمان بن قبه الخزاعی و حتی صاحب ابن عباد برمی‌خوریم.

۳- شعری که به این شاعر صفاری نسبت می‌دهند:

ای امیری که امیران جهان خاص و عام

بنده و چاکر و مولای و سگ‌بند و غلام

۴- قدیمی‌ترین کتاب منثور که در مرثیه سرایی کربلا نوشته شده است، کتاب روضه‌الشهدای ملاحسین کاشفی، معاصر سلطان حسین بایقرا از دانشمندان و نویسندگان معروف قرن نهم است.

۵- الغدیر، علامه امینی، صص ۲۸۶-۲۶۳؛ نیز درباره حال او، ر.ک: «دعبل خزاعی، شاعر دار بر دوش» از: مصطفی قلیزاده.

۶- از جمله افرادی که دعبل به هجو آنها پرداخته می‌توان به مطلب بن عبدالله مالک الخزاعی، امیر مصر - هارون الرشید و مامون معتصم و ابراهیم بن المهدي و... اشاره کرد. از جمله در هجو معتصم می‌گفت:

ملوک بنی العباس فی الکتب سبعة

ولم تأتانا عن ثامن لهم کتب

کذلک اهل الکفیف فی الکفیف سبعة

خیار اذا عدوا و ثامنهم کلب

و انی لاعلی کلهم عنک رتبة

لانک ذودنب و لیس له ذنب

«پادشاهان بنی عباس در نوشته‌ها، هفت تن هستند و هنوز، از هشتمی آنها نامی در نوشته‌ها ندیده‌ام. اصحاب کفیف نیز چنین بودند، هفت تن برگزیده و هشتمی سگ‌شان بود.

ولی من سگشان را بر تو برتری می‌دهم، زیرا تو گناهکاری و آن را گناهی نبود.»

۷- ابوالفرج اصفهانی مؤلف شهیر کتاب الاغانی، تأیبه را از بهترین منظومه‌ها و زیباترین مدایحی می‌داند که در ستایش اهل بیت (ع) سروده شده‌اند. (ر.ک: الاغانی، ج ۱۸، ص ۲۹)

- آیا فراموش کنم تشنه‌ای را- در کنار رودی پرآب- بدون گناه کشتند؟

- به این سعد - که خدای سعد از او بگرداند - بگو هر آینه عذاب آتش و لعنت هردو جهان را بر خود خریدی.

- تا نسیم وزنده است و تا شب و روز آینده؛

- بر آن قوم که گمراه شدند و سخنان پیامبر را با شبهه‌ها ضایع ساختند، نفرین می‌کنم.»

(گوهری، ۱۳۶۸، صص ۱۶۹-۱۶۸)

سلسله صفویه و شاهان آن به دلیل اعتقادی که داشتند، نقش بسیار مهمی در ترویج ادبیات دینی و مذهبی بویژه مدح ائمه دین و ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام ایفا می‌کردند و مرثیه سروده شده در رثای شهدای کربلا صورت عالی آنهاست.

محتشم کاشانی نیز، به عنوان یکی از شاعران برجسته این دوره از این امر مستثنی نبوده و اشعار جانگداز بسیاری در نهایت فصاحت و بلاغت در وصف این رویداد تاریخی شگرف سروده است که خواننده خود را به شدت متأثر می‌سازد:

«این زمین پر بلا را نام دشت کربلاست

ای دل بی درد، آه آسمان سوزت کجاست

این بیابان قتلگاه سیدلب تشنه است

ای زبان وقت فغان ای دیده هنگام بکاست

این فضا دارد هنوز از آه مظلومان اثر

گر زود آه ما عالم سیه گردد رواست

این مکان بوده است روزی خیمه گاه اهل بیت

کز حباب اشک ما امروز گردش خیمه هاست

کشتی عمر حسین اینجا به زاری گشته غرق

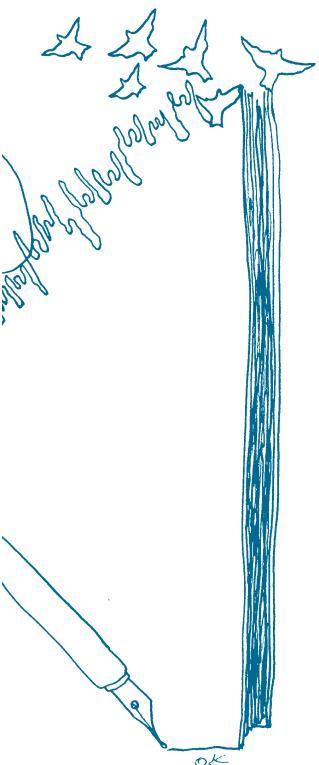
بحر اشک مادرین غرقاب بی توفان چراست»

(دیوان محتشم کاشانی، ۱۳۷۹، صص ۲۵۰-۲۴۹)

نتیجه گیری

مرثیه سرایی و بازخوانی حوادث تلخ و جانگداز در قالب شعر و ادبیات حزن‌انگیز از روش‌های ملهم ابراز عشق و محبت نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام و بغض و دشمنی نسبت به جباران زورگو بوده است. از نامدارترین این شاعران در طول تاریخ اسلام و تشیع، دعبل بن علی بن الخزاعی و محتشم کاشانی را می‌توان نام برد، به گونه‌ای که هردو مدافع حریم اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند. این دو از شدت برجستگی ادبی و دلدادگی ایمانی، چهره و جلوه جاودانه و قدسی خاصی پیدا کرده‌اند. شعر آنها همچون تیر سرکش قهاری است که با کمترین خطا و بیشترین نتایج به سر ظالمان و غاصبان شلیک گردیده و رسواکننده و افشاگر جنایت‌ها و اصحاب ظلم و ستم بنی عباس و دستگاه‌های جاری زمان خود بوده است. این دو شاعر متعهد با تمام خطرات و محرومیت‌ها لحظه‌ای در اثبات حقانیت تردید ننموده‌اند. اشعار جاودانه خزایی معروف به تأیبه در تارک دوستی آل‌الله در طول زمان درخشیده و بر همسنگ و بی‌بدیل خود به نام محتشم کاشانی تکیه نموده است.

مرثیه سرایی و بازخوانی
حوادث تلخ و جانگداز در
قالب شعر و ادبیات حزن
انگیز از روش‌های ملهم
ابراز عشق و محبت نسبت
به ائمه اطهار علیهم السلام
و بغض و دشمنی نسبت به
جباران زورگو بوده است. از
نامدارترین این شاعران در
طول تاریخ اسلام و تشیع،
دعبل بن علی بن الخزاعی
و محتشم کاشانی را می‌توان
نام برد.



منابع:

- ۱- اصفهانی، ابوالفرج؛ الاغانی، ج ۱۸.
- ۲- افسری کرمانی، عبدالرضا، نگرشی به مرثیه سرایی در ایران، ج اول، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱.
- ۳- الفخوری، حنا، تاریخ ادبیات زبان عربی از عصر جاهلی تا قرن حاضر، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، ج هفتم، تهران، انتشارات توس، ۱۳۸۶.
- ۴- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۵- رضازاده شفق، صادق، تاریخ ادبیات ایران، ج دوم، تهران، انتشارات دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲.
- ۶- شرتونی، سعید، اقرب الموارد، ج دوم، لبنان، بیروت، انتشارات دارالکتب الومیه، ۱۹۹۲ م.
- ۷- شمسیا، سیروس، انواع ادبی، ج دهم، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۸۳.
- ۸- کافی، غلامرضا؛ شرح منظومه ظهیری (نقد و تحلیل شعرهای عاشورایی از آغاز تا امروز)، ج اول، تهران، انتشارات مجتمع فنی عاشورا، ۱۳۸۶.
- ۹- گوهری، محمد جواد، دعبل بن علی الخزاعی، ج اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- ۱۰- محتشم، علی بن احمد، دیوان محتشم کاشانی به تصحیح و مقدمه اکبر بهداروند، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۹.
- ۱۱- موسوی گرماردی و همکاران، فرهنگ عاشورا، ج اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴.
- ۱۲- ندا، طه؛ ادبیات تطبیقی، ترجمه: هادی نظری منظم، ج دوم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.